

نگاهی نو به تحول جغرافیای انسانی

فضا، علوم اجتماعی و فلسفه

www.ketab.ir

ترجمه و توضیحات

دکتر سیدحسن صدوق



۱۴۰۲



۸۸۰

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

نگاهی نو به تحول جغرافیای انسانی: فضا، علوم اجتماعی و فلسفه / پل کلاوال
Paul Claval, *Nouvel essai sur l'évolution de la géographie humaine. Espace, sciences sociales et philosophie*, Pau, PUPPA, Collection Sp@tialités 1, 2022.

ترجمه و توضیحات دکتر سیدحسین صدوق

ویراستار: ناهیده کاظم‌زاده گنجی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: سمیرا دهقان
ناظر چاپ: نوید سیفان
چاپ اول: ۱۴۰۲
شمارگان: ۲۰۰
قیمت: ۱.۱۱۰.۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

«مطالب کتاب به‌عهده مترجم است»

سرشناسه:	کلاوال، پل Claval, Paul
عنوان و نام پدیدآور:	نگاهی نو به تحول جغرافیای انسانی: فضا، علوم اجتماعی و فلسفه / پل کلاوال؛ ترجمه و توضیحات سیدحسین صدوق، ویراستار ناهیده کاظم‌زاده گنجی.
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	هجده، ۲۰۳ ص.
فروست:	مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی: ۸۸۰.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۴۵۷-۶۱۰-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: <i>Nouvel essai sur l'évolution de la géographie humaine. Espace, sciences sociales et philosophie</i> .
موضوع:	جغرافیای انسانی Human geography
یادداشت:	نمایه.
شناسه افزوده:	صدوق، سیدحسین، ۱۳۲۷-، مترجم
شناسه افزوده:	دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات
شناسه افزوده:	Shahid Beheshti University, Printing & Publishing Center
رده‌بندی کنگره:	GF۴۱
رده‌بندی دیویی:	۳۰۴/۲
شماره کتابشناسی ملی:	۹۴۷۹۸۳۷

کد ناشر ۱۰۰۱۷۳۴

unipress.sbu.ac.ir
press.sbu.ac.ir
unipress@mail.sbu.ac.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	یازده
پیشگفتار رئیس کمیسیون تاریخ جغرافیا	پانزده
مقدمه	۱
فصل اول. جغرافیای کلاسیک	۳
تاریخچه جغرافیای انسانی	۳
دانش روزآمد	۴
مسائل معرفت‌شناختی در علوم طبیعی	۶
ژئومورفولوژی و رویکرد بلندمدت	۷
نظریه تکامل	۷
جغرافیای کلاسیک	۱۰
روشی بدیع برای درک روابط انسان و محیط	۱۰
فراتر از مکان و تأکید بر انسان	۱۱
گردآوری داده‌ها و گونه‌شناسی‌ها	۱۲
حرفه جغرافی‌دان	۱۴
کارکردگرایی و اثبات‌گرایی	۱۶
جغرافیای کلاسیک و رابطه آن با علوم انسانی و اجتماعی	۱۶
جغرافیای اقتصادی و جغرافیای سیاسی	۱۹
جغرافیای اقتصادی	۱۹
جغرافیای سیاسی	۲۰
ظهور جغرافیای فرهنگی و نقدهایی که برانگیخت	۲۱
ترازنامه جغرافیای کلاسیک	۲۲

۲۵ فصل دوم. جغرافیای نوین
۲۶ محدودیت‌های جغرافیای کلاسیک
۲۸ آورده‌های اقتصاد برای جغرافیا طی دههٔ ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰
۲۸ اقتصاد کلان، اقتصاد خرد و گردش اطلاعات
۳۱ نقش پول، سود و یکپارچگی عرصهٔ اقتصاد
۳۲ وام‌گیری از اقتصاد فضا و کاربرد روش‌های جدید آماری
۳۴ ماهیت اقتصاد فضا
۳۷ مه ۱۹۶۸: تغییر در فضای معرفت‌شناختی
۳۹ قرائت‌های رادیکال از جغرافیای اقتصادی جدید
۴۲ روی آوردن به انسان‌شناسی
۴۳ توجه به نشانه‌ها و سازوکارهای فراموش‌شدهٔ اجتماعی
۴۴ تأمل اساسی در فرهنگ
۴۴ فرهنگ شفاهی و نوشتاری
۴۶ نهادینه‌شدن جامعه
۴۷ نوشتن جغرافیای اقتصادی و نوشتن جغرافیای نوین
۵۱ فصل سوم. شکل‌گیری بُعد اجتماعی
۵۲ مقولهٔ نخست: فرد در برابر قدرت، رویکرد لا بوئسی به مسئلهٔ آزادی
۵۳ پیدایش یک ایده
۵۵ آزادی انسان، قدرت و جامعه
۵۸ زایش ایدئولوژی
۶۱ ترجمان سیاسی ایدئولوژی‌های پیشرفت
۶۴ مقولهٔ دوم: فرد در مقابل جامعه: بنتام، کانت و کنت
۶۴ ظهور علوم اجتماعی تجربی
۶۶ انقلاب کوپرنیکی کانت، متافیزیک ضامن پیشرفت
۶۸ از ترفندهای عقل تا علوم اجتماعی ناخودآگاه
۷۰ جامعه‌شناسی آگوست کنت یا تداوم فلسفه با روشی دیگر
۷۲ سه‌گانهٔ رشته‌های اجتماعی

۷۵	فصل چهارم. مراحل سه‌گانه و درهم‌تنیده علوم اجتماعی
۷۵	مرحله نخست: دورکیم، وبر و نظام‌مندی علوم اجتماعی
۷۵	دورکیم و جامعه‌شناسی ملهم از فلسفه
۷۹	ماکس وبر یا شاخص مشترک علوم اجتماعی تجربی
۸۲	انزوای علوم اجتماعی، بازیگری ضمیر ناخودآگاه
۸۳	بی‌طرفی اخلاقی انسان‌شناسان و تبعات آن
۸۵	مقوله دوم: تردید در مدرنیته
۸۵	پایان خط قرمزها در علوم اجتماعی
۸۸	نقد فلسفه‌های تاریخ
۸۹	اندیشه‌های فلسفی مطلق‌بودن اراده انسانی
۹۰	پدیدارشناسی
۹۰	اشکال متنوع ماجراجویی سده بیستم
۹۳	از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی
۹۵	فصل پنجم. پساساختارگرایی و ساختارگرایی
۹۶	فوکو و دگرگونی متافیزیک کانت
۹۶	ورود فوکو به صحنه
۹۷	کتاب کلمات و چیزها و قلمرو میانی فرهنگ
۱۰۰	قلمرو میانی فرهنگ و زایش منظومه‌های معرفتی (ایستمه‌ها)
۱۰۲	نقد اندیشه کانتی از انسان
۱۰۳	کتاب کلمات و چیزها و علوم انسانی
۱۰۶	گسست کامل یا وارونه‌کردن متافیزیک کانتی؟
۱۰۷	فوکو و نقد گفتمان
۱۰۷	«دیرینه‌شناسی دانش» کتابی مشکل و باتکلف
۱۰۸	نقش ساختارهای گفتمانی
۱۱۱	تأثیر چشمگیر فوکو
۱۱۲	پیر بوردیو و عادت‌واره
۱۱۷	از دو لا بونسی تا بوردیو

۱۲۱	نتیجه‌گیری.....
۱۲۳	فصل ششم. فوکو و فضا.....
۱۲۳	ابزار قدرت و فضا از نگاه فوکو.....
۱۲۴	پانوپتیک و آرایش‌های مراقبتی (حفاظتی).....
۱۲۹	فوکو و هتروتوپیا.....
۱۳۳	فصل هفتم. جغرافیای پسااختارگرا.....
۱۳۳	کژراهه سرمایه‌داری.....
۱۳۳	گشایش دورنماهای پژوهشی.....
۱۳۵	توجه به قدرت تخیل.....
۱۳۷	جغرافیا از نگاه دیگران و درست دیده‌شدن آن.....
۱۳۹	دیده‌شدن، احساس بودن و عبار اجتماعی.....
۱۴۱	فرایندهای انتقال و نشر.....
۱۴۲	پویایی هویت و شکل‌گیری «دیگری».....
۱۴۳	ماتریس‌های سلطه.....
۱۴۴	فضای جغرافیایی پسااختارگرا.....
۱۴۶	دورنمای فرعی در جغرافیا و مطالعات پسااستعماری.....
۱۴۹	یک تراژنامه.....
۱۵۰	مارکسسیم زورگوینانه دیوید هاروی.....
۱۵۳	فصل هشتم. رویکرد فرهنگی در جغرافیا.....
۱۵۴	درک متفاوتی از فرهنگ.....
۱۵۴	فرهنگ: مجموعه‌ای از کنش‌های هنری یا DNA جامعه؟.....
۱۵۵	انسان از رهگذر فرهنگ اجتماعی می‌شود.....
۱۵۶	تصورات، ارزش‌ها و نهادینه‌شدن امر اجتماعی.....
۱۵۷	تصوراتی که اهمیت و اقتدارشان از فاصله نشت می‌گیرد.....
۱۵۸	پیدایش تصورات معطوف به ماورا.....
۱۶۱	ارزش‌ها، شکل‌گیری جهان و هستی‌شناسی فضایی.....

۱۶۳ فرایندهای فرهنگی ارتباطات و نشر
۱۶۳ فرایندهای انتقال
۱۶۵ شکل‌گیری باورهای عمومی
۱۶۶ فرایندهای تمایز/ هویت‌جویی
۱۶۷ تمایز به‌مثابه تأیید برتری
۱۶۸ تمایز به‌مثابه اراده به برتری‌جویی
۱۷۰ تلاش برای نیل به موقعیت برتر: یکی از سه شکل رقابت اجتماعی
۱۷۰ رقابت اجتماعی و نیل به خواسته‌ها
۱۷۲ بُعد فرهنگی کل جغرافیا را دگرگون می‌سازد
۱۷۴ فضا در رویکرد فرهنگی
۱۷۹ جمع‌بندی نهایی
۱۷۹ جهش‌های مداوم
۱۸۰ ارزیابی رویکرد فرهنگی
۱۸۲ درک‌های سه‌گانه علوم اجتماعی و الزامات
۱۸۴ درک تحول جغرافیا در شرایط ویژه خود
۱۸۵ فضا و فرایندهای اجتماعی
۱۸۵ گستره و شبکه‌ها، موانع، شفافیت و دیده‌شدن
۱۸۸ سرشت دوگانه فضای اجتماعی
۱۹۰ فضای اجتماعی به‌مثابه داده تجربی و واقعیت نهادینه‌شده
۱۹۲ رویکردهای فلسفی و رویکردهای فرهنگی به زندگی اجتماعی
۱۹۷ رویکرد فرهنگی و مسائل جهان کنونی
۱۹۹ نمایه

پیشگفتار مترجم

جغرافیا دانشی است بس کهن که تاریخ پیدایش آن دست‌کم به ۲۳۰۰ سال پیش بازمی‌گردد، یعنی زمانی که اراتوستن^۱ جغرافی‌دان، ریاضی‌دان و منجم یونانی محیط کره زمین را اندازه گرفت. باین حال، در آغاز دهه ۱۸۸۰ بود که حضور بشر بر سطح کره زمین و تحولاتی که موجب و عامل رخ‌دادنشان شده بود که همچنان نیز ادامه دارد، موجب شد که این دانش توجه ویژه‌ای به خود جلب کند. در واقع، ضرورت این توجه ویژه بود که جغرافیای انسانی،^۲ و از نو مطرح ساخت؛ هرچند تأمل در این عرصه و مسائل مربوط به تحولات ناشی از فعالیت انسان، پیشینه‌ای نیز داشته است. به دیگر سخن، رویکرد علمی در جغرافیای انسانی نسبتاً جوان است و عمر آن به‌سختی به ۱۵۰ سال می‌رسد. این رشته علمی، به‌رغم ورود دیر هنگامش به خانواده علوم انسانی در قالب یک رشته دانشگاهی، در دانشگاه‌های آلمان و فرانسه تاکنون چشمگیری داشته است. پروفیسور پل کلاوال، مؤلف نامدار و سرآمد دانشگاه سوربن در جغرافیای معاصر، بیش از هفت دهه در شاخه‌های مختلف جغرافیای انسانی به آموزش و پژوهش اشتغال داشته و علاوه بر تلاش برای درک تحولات جغرافیای انسانی، خود در این عرصه نقش ایفا کرده است. او در سال ۱۹۶۴، کتابی با عنوان تحول جغرافیای انسانی منتشر و

مراحلی را که جغرافیای انسانی تا آن زمان از سر گذرانده بود، تحلیل کرد.

پروفیسور کلاوال باور دارد که مسائل مورد مطالعه جغرافیا آثار مادی حضور انسان بر سطح زمین و چشم‌اندازهای آن است، اما اذعان دارد که آنچه کمتر مورد توجه بوده است، محوریت انسان و گرایش‌های ذهنی و به‌عبارت‌دیگر، رابطه خود انسان‌ها با یکدیگر است. او این غفلت را ناشی از اثرپذیری دانش جغرافیا و به‌خصوص جغرافیای انسانی، از

1. Eratosten

نظریه تکامل داروین ارزیابی می‌کند و گرایش پیشین جغرافیای انسانی به طبیعت‌گرایان یا ناتورالیست‌ها را در آن فرایند می‌یابد. مؤلف این درک جغرافیایی را به نظم جغرافیایی «کلاسیک» تعبیر می‌کند. البته او می‌پذیرد که محیط^۱ یا محیط‌زیست بی‌تردید بر انسان نافذ و بر رفتار وی تأثیرگذار است، اما این اثربخشی را نباید عامل تام و تمام کنش‌های انسانی و جوامع به‌شمار آورد، زیرا انسان با اندیشه و توان استثنایی خود توانسته است بر بسیاری از موانع محیطی فائق آید. او بدین ترتیب نتیجه می‌گیرد که برای نوع رابطه انسان با محیط نمی‌توان قواعد عام و جهان‌شمول وضع کرد. او با نقد جغرافیای کلاسیک، دلیل گرایش بیشتر جغرافیای انسانی آغازین به مسائل روستایی و ناحیه‌گرایی و غفلت از تحولات صنعتی، مدرنیته و شکل‌گیری شهرهای بزرگ و نقش بی‌بدیل آن‌ها در قلمرو اقتصاد، در سطوح خرد و کلان، را در آن رویکرد تحلیل می‌کند. نویسندگان در برآمدن جغرافیای انسانی کلاسیک، به رویکرد پسا‌ساختارگرا و به‌خصوص وجه فرهنگی آن اشاره‌ای خاصی نشان داده، تحولات بزرگ در عرصه انقلاب‌های صنعتی و به‌خصوص انقلاب در وسایل حمل و نقل، ارتباطات و تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های جدید جغرافیای انسانی را مد نظر قرار می‌دهند و نتیجه می‌کنند. او به‌درستی تأکید می‌کند که برای تحلیل کنش‌های انسانی، باید در انگیزه‌های جنبش فعالیت‌های انسانی و جوامع بازنگری و تفحص شود. او تأکید دارد که جغرافیای انسانی در عین حفظ دیدگاه انتقادی خود، نباید از مفروضات دیگر علوم انسانی و به‌خصوص جامعه‌شناسی، فلسفه و اقتصاد دور بماند. در درک جغرافیای جدید، فضا جایگاه ویژه‌ای در مقوله اقتصاد دارد که بی‌توجهی به آن، جغرافیادان را از تحلیل درست مسائل، به‌ویژه در آمایش سرزمین و توسعه پایدار، باز می‌دارد. در ارتباط با همین مقوله، گردش اطلاعات، جابه‌جایی کالاها و انسان‌ها، جایگاه ویژه خود را دارند. نویسندگان در آنچه به رابطه جغرافیای انسانی با جامعه‌شناسی و فلسفه مربوط می‌شود، به نقش قدرت در پی‌ریزی ایدئولوژی‌ها و قبولاندن آن‌ها به طبقات اجتماعی، به آرای میشل فوکو و نقش گفتمان در جنبش‌های اجتماعی و به نظریه پیر بوردیو، آنجا که از نقش عادت‌واره (هَبیتوس) در کنش‌های فرد و جامعه سخن گفته است، توجهی ویژه نشان داده است. با این‌همه، آنچه ویژگی کار

پروفسور کلاوال را در این اثر برجسته می‌سازد، رویکرد فرهنگی و تأثیر آن بر واقعیت‌های سلطه و نقش آن در انتخاب‌های افراد و جامعه است.

کلاوال هدف این اثر را در پیشنهاد و ارائه پایه نظری استوار و مرتبط با دیگر علوم انسانی برای جغرافیای انسانی، در راستای کمک به دانش‌پژوهان این شاخه علمی، در راستای تجهیز آنان در راه رسیدن به دیدگاهی روشن‌تر در تحلیل‌های مرتبط با جغرافیا و نقش بایسته آن در جهان مدرن امروزی اعلام کرده است. با اوج‌گیری بحران‌های محیط‌زیستی و تبدیل آن به دغدغه اساسی روزگار ما، آیا نباید در عین مددجویی از فناوری‌های سبز، به جغرافیای فرهنگی و استوارکردن آن بر دستاوردهای دیگر شاخه‌های علوم انسانی وابسته با رویکرد انتقادی، توجهی درخور و کارساز داشته باشیم؟ آیا نمی‌توان چنین پنداشت که شاخه‌شاخه‌شدن افراطی رشته‌های مختلف دانش، به‌عنوان تخصص‌گرایی و نبود رویکرد میان‌رشته‌ای، دست‌کم یکی از عوامل ظهور و بروز بحران‌ها در عرصه محیط‌زیست انسان است؟

اگر این اثر بتواند تأثیری هرچند کوچک، در ذهن خوانندگان و دانشجویان جغرافیا درباره ضرورت جامع‌نگری علمی، به‌ویژه در جغرافیا که موضوع اصلی آن است، بر جای گذارد، به هدف خود نزدیک شده است.

بر خود فرض می‌دانم از دوست و همکار گرانقدرم، جناب آقای دکتر عباس سعیدی که با بزرگواری علاوه بر ویرایش این اثر، با راهنمایی‌های ارزشمند خود این جانب را یاری کرده‌اند و نیز سایر همکاران گروه جغرافیای انسانی دانشگاه شهید بهشتی که مشوق من در برگردان این کتاب بودند، قدردانی نمایم.

همچنین از مدیریت محترم و کارشناسان خدوم انتشارات دانشگاه که با اهتمام خود در انتشار آن نقشی شایسته داشته‌اند، سپاسگزارم. از سرکار خانم دکتر فرشته دستواره، دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری که زحمت تایپ این کتاب را پذیرفتند، تشکر می‌نمایم.

سیدحسن صدوق

زمستان ۱۴۰۲